



وزارت علوم هیچ هدفی برای جذب دانشجویان دکتری ندارد

حیدیه شیرزادی، دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی

در مورد چگونگی طرح این کمپین توسط دانشجویان و نحوه ایجاد هسته اولیه آن و همچنین دغدغه‌های اصلی این کمپین به «فرهیختگان» گفت: «کمپین

با بحث مشکلات آموزشی-پژوهشی و حمایت مالی (وام و...) شروع شد و گروه مرکزی این کمپین به تدریج شکل گرفت. کم کم دانشجویان آمدند و مطالبات دیگر خودشان را بیان کردند. ما باید این مطالبات را ریشه‌یابی می‌کردیم چرا که نمی‌توانستیم به صورت جزئی به آن بپردازیم.»

وی ادامه داد: «نظام آموزش عالی یکسری نقایص دارد که باید ساختار آن اصلاح شود. این اصلاحات به پروسه ۲۰ یا ۳۰ ساله نیاز ندارد؛ بلکه تغییراتی طی دو یا سه سال می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد و نتیجه آن مستقیماً روی بازدهی علمی دانشجویان خواهد بود. بازدهی علمی نظام آموزش عالی یعنی بازدهی صنعتی، بازاری، اقتصادی و... در این راستا دیگر دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی نیاز به استخدام ندارد و خودش می‌تواند درآمدزایی کرده یا حتی از افراد دیگر هم دعوت به کار کند.»

شیرزادی محورهای اصلی و مهمی را که این کمپین پیگیری می‌کند این‌گونه برشمرد: «وزارت علوم به‌طور خاص هیچ هدفی برای جذب دانشجویان دکتری ندارد و نمی‌داند به چه دلیل این دانشجویان را جذب می‌کند و از او چه می‌خواهد؟! اگر وزارت علوم از اهداف جذب دانشجوی دکتری چیزی نداند، من دانشجویی هدف تحصیلات تکمیلی را انجام می‌دهم. وزارت علوم باید متناسب با اهدافش، یک آمایش سرزمین انجام دهد و بگوید نیازهای کشور فلان مساله است و ما در فلان رشته‌ها نیاز داریم که دکتری تربیت کنیم. وقتی در جلسات نمایندگان وزارت علوم با آنها صحبت می‌کنید متوجه خواهید شد که پاسخی برای اینکه چرا دانشجوی دکتری پرورش می‌دهند، ندارند. این درد دارد؛ اینکه می‌گویند ورودی ظرفیت‌ها کاهش داشته بحران فراتر از این مساله است. اگر شما سرعت کاهش جمعیت در جامعه را بسنجید، متوجه می‌شوید چندان اتفاق ملموسی رخ نداده است. در واقع میزان جمعیت مردم در حال کم شدن است. جمعیت بعد از دهه ۶۰ خود به خود کاهش داشته و دیگر به کاهش ظرفیت نیاز ندارد؛ چرا که دانشجویی دیگر نیست که وارد این مقطع بشود. کاهش ظرفیت اگر الان اتفاق بیفتد، تغییرات ملموسی رخ می‌دهد؛ وگرنه دانشجوی دکتری فقط باید مشغول تحصیل باشد و در آینده شاید به فکر اشتغال او بیفتند.»

این دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی افزود: «از دیگر محورهایی که در وزارت علوم مطرح شده این بوده است که ظرفیت‌ها متناسب با نیازهای کشور سنجیده شود. ما تعدادی خواسته جزئی آموزشی و پژوهشی داشته‌ایم. بحث کلان ارتباط دانشگاه با صنعت و سایر دستگاه‌ها نیز مطرح است. یکی از دلایل تشکیل کمپین همین موضوع بود که اگر وزارت علوم با دستگاهی ارتباط ندارد ما دانشجویان این کمپین حلقه اتصال را ایجاد کنیم.»

شیرزادی عنوان کرد: «کمپین این پتانسیل را دارد که وزارت علوم را به بقیه وزارتخانه‌ها متصل کند. در این راستا باید تفاهنامه مشخصی وجود داشته باشد تا مشکلات از جامعه به دانشگاه وارد شود و دانشگاه متولی حل آنها شود.»



بی‌توجهی مدیریتی به آموزش عالی احساس می‌شود

علی صفی‌پور از بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

یکی دیگر از افراد این کمپین است. او در مورد بیانیه‌ای که برای انتخاب وزیر علوم صادر کردند و تفاوت آن با بقیه بیانیه‌ها گفت: «ما برای انتخاب وزیر علوم به هیچ وجه نه نظر مخالف داریم و نه موافق؛ چرا که این را حق رئیس‌جمهور می‌دانیم. او هر شخصی را که خودش صلاح می‌داند به مجلس معرفی می‌کند. ما در صدور بیانیه‌ها نام شخص را مورد خطاب قرار نمی‌دهیم، بلکه مطالبات مد نظر ماست. آقای رئیس‌جمهور در جایگاهی قرار دارد که این مطالبات را مورد توجه قرار دهد. به‌خاطر همین، نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس‌جمهور نوشتم و مطالبات دانشجویان دکتری را به وی اعلام کردیم.»

صفی‌پور تأکید کرد: «پس از مشخص شدن وزیر علوم تکلیف معلوم شد. خواسته‌های ما از اول مشخص بوده و تغییری نکرده است. فقط در بیانیه‌های قبلی وزیر سابق و در بیانیه بعدی وزیر فعلی را خطاب قرار دادیم. بحث آینده شغلی یکی از خواسته‌های جدی دانشجویان است و نمی‌شود به راحتی از آن چشم‌پوشی کرد یا اینکه برای ما مهم باشد که شخص خاصی وزیر شود و ما مطالبات را کنار بگذاریم.»

وی درخصوص اینکه کمپین باعث شده مباحث مربوط به آموزش عالی اعم از مالی، نحوه اداره و توسعه کمی و کیفی دانشگاه‌ها در رسانه‌های مختلف منعکس شود، عنوان کرد: «اگر قرار باشد ما با همین رویه‌ای که هست پیش برویم بدون شک بحران دانشجویان دکتری هم بیش از پیش خواهد شد. شما نیرویی را تربیت کرده‌اید، آیا می‌خواهید رها شود؟ نه! اگر بخواهید این نیرو رها شود، خب کار بهبودی‌ای است که فرد را ۱۰، ۱۲ سال پرورش دهید و بعد او را رها می‌کنید. الان متأسفانه احساس می‌شود که بی‌توجهی

مدیریتی در آموزش عالی وجود دارد. چقدر خوب است که رسانه‌ها بیش از پیش به این مساله توجه داشته باشند وگرنه بحران دکتری و مدرک‌گرایی هم در کنار بحران‌هایی همچون آب یا محیط‌زیست قرار می‌گیرد.»

وی افزود: «رسانه‌ها باید بیش از این به پتانسیلی که در بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دکتری هست، توجه کنند و از اینها کمک بگیرند تا مشکلات مختلف کشور حل شود.»



هیات علمی دست‌نیافتنی شده است

روزنامه فرهنگستان



عکاس: محمود رحیمی / فرهنگستان

با ایجاد شبکه‌های اجتماعی کم کم شکل اعتراضات دانشجویی نیز تغییر کرد و از تجمعات مقابل سلف و دفتر رئیس دانشگاه به کمپین‌های اعتراضی با تعداد بیشتر اعضای شرکت‌کننده و در سطح گسترده‌تر تغییر یافت. یکی از این کمپین‌ها که در روزهای گرم خرداد امسال تشکیل شد «کمپین مطالبات دانشجویان دکتری» بود و زمانی استارت خود را زد که صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم طی ابلاغیه‌ای به دانشگاه‌های سراسر کشور از تغییر در پرداخت و بازپرداخت وام دانشجویان دوره روزانه دکتری خبر داد. با توجه به پندهای این ابلاغیه، دانشجویان روزانه دکتری باید برای دریافت وام، که هر سه ماه یک بار به حساب آنها واریز می‌شد، به شعب بانک توسعه تعاون مراجعه می‌کردند تا الزاماً یک ضامن را معرفی کنند. پس از این، دانشجویان دکتری در اعتراض به عدم اختصاص وام ویژه دکتری و وام پژوهانه در مقابل وزارت علوم تجمع کرده‌اند. دانشجویان تجمع‌کننده که علت اصلی تجمع آنها اعتراض به سخت‌تر شدن اخذ وام دکتری بود، گام را فراتر نهادند و مطالباتی همچون پرداخت حقوق ماهانه را مطرح کردند. تجمعات دانشجویان مقطع دکتری برای پیگیری مطالبات خود در حالی رخ می‌داد که مسئولان وزارت علوم پرداخت وام به شیوه جدید را کم‌نظیر توصیف کرده و مدعی بودند تسهیلات نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. ذوالفقار یزدان‌مهر، رئیس صندوق رفاه دانشجویان درباره تجمع دانشجویان دکتری گفته بود: «خواسته دانشجویان دکتری که مقابل وزارت علوم تجمع کرده بودند بحث دریافت حقوق ماهانه است و اینکه چهار سال تحصیل آنها به‌عنوان سنوات خدمتی و پرداخت حق بیمه محسوب شود. البته این خواسته را دانشجویان از دولت مطالبه کرده‌اند و در حیطه اختیارات صندوق رفاه دانشجویان نیست.» پس از این اتفاقات دانشجویان دکتری که انتظار زحم کهنه آنها سر باز کرده بود، اقدام به تشکیل کمپینی تحت عنوان «کمپین مطالبات دکتری» کردند و به مرور جمعیت آنها بیشتر شد. این کمپین دانشجویی هدف خود را هماهنگی دانشجویان برای پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی عنوان کرده است. این دانشجویان چندی پیش میهمان ما بودند که این گپ و گفت را در ادامه می‌خوانید:



یزدان محمدی
روزنامه‌نگار

نمایندگان مجلس به‌ما می‌گفتند چرا در ایران مانده‌اید؟!
ترکس حسامی، دانشجوی رشته تغییر اقلیم دانشگاه زنجان در گفت‌وگویی گفت: «در تکمیل سخنان صفی‌پور، ما دانشجویان دکتری در کنار مردم و مسئولان هستیم و همچنین مشکلات جامعه که مردم درگیر آن هستند. ما باید بتوانیم آنها را حل کنیم. مسئولان تا الان نسبت به قشر دانشجویی توجه بوده‌اند و ما می‌خواهیم برای حل مشکلات در جامعه و کشور به مردم کمک کنیم و این رسانه‌ها هستند که می‌توانند ما را بهتر نشان دهند. او ادامه می‌دهد: «مانی که با نمایندگان جلسه داشتیم، حرف خیلی از آنها، این بود که چرا در ایران مانده‌ای؟ ولی واقعیت این است که ما این کمپین را تشکیل دادیم که بگوییم ما هستیم که می‌خواهیم مشکلات را حل کنیم. ما برای این کشور دلمان می‌سوزد، چرا برویم؟ ولی متأسفانه اصلاً به قشر نخبه اهمیت نمی‌دهند و خیلی مواقع می‌گویند ما مشکل کم‌آبی و خشکسالی داریم ولی نمی‌آیند بگویند درمان آن چیست؟ اگر این مشکلات را به متخصصان بسپارند قطعاً حل می‌شود.»



سونامی بیکاری دکتری

سحر حسینی‌پارسا، دانشجوی دامپزشکی دانشگاه تهران در پاسخ به اینکه «آیا درخصوص اشتغال دانش‌آموخته‌های دکتری، کمپین مطالبات دکتری، حرفی برای گفتن دارد؟» افزود: «سونامی بیکاری دکتری دهه شصتی مدرک به دست یا بهتر عرض کنم عدم‌ایندنگری مسئولان و بعضاً خلق دانش‌آموخته‌های رشته‌های اژدهاکشی آن هم در مقطع دکتری، از مواردی است که وقتی به غنی بودن ایران (نه صرفاً از نظر نفت) به‌عنوان یک محقق نگاه می‌کنم، می‌بینم ما ضعف مدیریتی داریم، جامعه بیمار است و درمانگر هم دارد اما نحوه مدیریت نیرو تأسف‌آور است.» پارسا ادامه داد: «دانش‌آموخته‌های دکتری از همین دانشگاه تهران که من درس می‌خوانم، بعد از چندین سال تلاش برای پیدا کردن شغل هنوز بیکار هستند و دقیقاً در همان رشته‌ها ما مشکلات اجتماعی و صنعتی را در جامعه شاهد هستیم، در جاده‌های کشور سالانه تلفات قابل‌توجهی داریم، خب دانشجویان دکتری نمی‌توانند این معضل را حل کنند؟ در صنعت متکی به نیروی خارجی می‌شویم، دانش‌آموخته‌های خودمان را خانه‌نشین و افسرده کرده‌ایم یا شده‌اند کالای شیک تجاری ایران، ما دانش‌آموخته جوان دکتری صادر می‌کنیم برای پیشرفت و آبادانی هر جا به غیر از کشور، این جای عززگرفتن دارد، این خیانت به تمام ارمان‌های دفاع از خاک هست که روزی برای آن جوانان جان دادند.» وی اضافه کرد: «مسئولان در تیرماه سال جاری گفتند «کشور نرخ ۱۲/۶ درصد بیکاری را در بهار ۹۶ داشته است. همین‌طور ورود ۲۰۰ هزار دانشجوی دکتری به بازار کار را داریم که سالانه ۱۵ هزار دانش‌آموخته دیگر به آن اضافه می‌شود؛ اما راهکاری که دادند تدوین برنامه «ملی اشتغال» تا نیمه دوم سال جاری بوده که هنوز راه به جایی نبرده است.»

از طرفی مجتبی شریعتی‌نایسر، معاون آموزشی وزارت علوم گفته بود: «وضعیت اشتغال ما متناسب با فارغ‌التحصیلان نیست.» روزی که اجازه پذیرش بی‌رویه در این مقطع داده شد آیا نباید به چنین مواردی در چشم‌انداز تصمیم‌گیری‌های وزارت علوم توجهی می‌کردند؟ اما سوال اینجاست تا چه وقت می‌خواهیم بعد از ریختن پلاسکو به فکر اصلاح زیرساخت‌ها برویم، چرا در چند سال اخیر شاخص زیرساخت کشور افول داشته؟ بهتر و آشناتر از نیروی وطنی، آن هم محقق دانش‌آموخته دکتری به مشکلات کشور چه کسانی می‌توانند باشند؟ چرا برای حل معضلات ایران به نیروی خارجی متکی می‌شوید و دانشجوی دکتری مجبور می‌شود برای تأمین هزینه پایان‌نامه پروژه‌ای از کشور دیگر را انتخاب کند که درنهایت، ایران و ایرانی بشود موش آزمایشگاهی جهان مدرن و درد دنیای توسعه‌یافته را درمان کند.»

هیات علمی شدن برای دانش‌آموخته دکتری دست‌نیافتنی شده است

این دانشجوی دامپزشکی دانشگاه تهران می‌گوید: «آمون‌های جذب هیات علمی (یا جدیداً سامانه‌های کارورزی) هم شدند محل تأمین درآمد برخی، آن هم از جیب بیکار دانش‌آموخته دکتری، بدون اینکه مشرثم باشند؛ مقطع دکتری تخصصی وزارت علوم، در خود آیین‌نامه پذیرش دانشجوی این دوره، تحت عنوان تربیت مدرس بیان شده است، حال همه به خوبی می‌دانند که هیات‌علمی شدن، یک آرزوی دست‌نیافتنی برای دانش‌آموخته‌های این مقطع هست، جای بسی تأسف دارد که در همین آزمون جذب شه‌ریور، شرط سبیری کردن یک دوره آموزشی خارج از کشور را هم برای جذب، اضافه کرده بودند، تا چه سنی باید تحصیل کرد و تا چه مرحله‌ای؟ چرا کشور تربیت‌شدگان سیستم آموزشی خود را نمی‌پذیرد؟ ما شبیه کسی هستیم که پدر و مادرش رهاش کرده‌اند و کشورهای خارجی برای پروژه‌هایشان از ایران کودک می‌گیرند، در اصل ما فرزند هیچ کشور خارجی نمی‌شویم، بلکه نیروی کار رایگان و بدون هیچ گونه هزینه تربیتی برای آنها هستیم، آیا این خیانت به وطن و خاک نیست؟ آیا این نوعی برده‌فروشی آن هم از نوع فرهیختگان جامعه نیست؟» پارسا عنوان کرد: «به عبارتی برای برقراری امتیازاتی که از قبل بوده و لغو شده مانند پژوهانه یا موارد بحثی که کلاً تعریف نشده‌اند مثل کمک‌هزینه‌ی بلاعوض تحصیلی برای دانشجوی دکتری، لازمه داشتن یک ردیف بودجه مستقل در بودجه سال ۹۷ هست که انتظار می‌رود با توجه به دیدارهای فراوان در مجلس و رایزنی‌های زیاد با دولت، صدای دانشجویان دکتری در بودجه سال ۹۷ نمایش داده شود؛ کسانی که بزرگ‌ترین حرکت مدنی کشور در قشر دانشجویی را تا به حال داشته‌اند.» پارسا با اشاره به وضعیت پژوهشی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی درخصوص معضلات گفت: «به‌عنوان مثال وزارت نیرو یکسری اولویت‌های پژوهشی معرفی می‌کند ولی وقتی دانشجویان می‌آیند اقدام می‌کنند در ابتدا می‌گویند بودجه‌ای نیست و ما به شما نمی‌دهیم یا به طریق دیگری این پروژه‌ها را به افراد دیگری محول می‌کنند؛ من فکر می‌کنم اگر بیايند از طریق متخصصان عمل کنند خیلی مواقع این مشکلات حل می‌شوند و بودجه در جای درست خرج می‌شود.»

مسئولان توب را در زمین دانشجویان می‌اندازند

مجید طالبی، دانشجوی رشته نانوفناوری دانشگاه شریف در ادامه و در پاسخ به اینکه آیا شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند اوضاع اشتغال دانشجویان دکتری را سامان بدهند و در توسعه آن می‌توانند کمکی به گسترش مطالبات دانشجویان داشته باشند، گفت: «تقریباً از سال ۹۰ به بعد خیلی روی این موضوع بحث شد؛ این بحث تا جایی درست است، البته نه برای تمام رشته‌ها و نه برای تمام شاخه‌ها و گرایش‌ها، بحث خوداشتغالی و خویش‌فرمایی در رشته‌ای مانند حقوق و روانشناسی شاید قابل انجام باشد یا در بعضی گرایش‌های پزشکی شخص با تأسیس یک مطب می‌تواند مشغول به کار شود؛ اما آیا فارغ‌التحصیل انرژی هسته‌ای هم می‌تواند اشتغال‌زایی داشته باشد؟ فارغ‌التحصیل رشته علوم آزمایشگاهی که نیاز به ادوات و تجهیزات سنگین دارد می‌تواند خوداشتغالی کند؟ شاید این افراد بتوانند شروعات را استارت بزنند ولی برای ادامه کار تحقیق و توسعه نیاز نیست به یک مرکز تحقیقاتی بزرگ‌تر وصل شوند؟ اینجاست که این حلقه گمشده به وجود می‌آید.» او با مقایسه سیستم آموزشی ایران و آلمان ادامه می‌دهد: «اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های بحث‌مهمی در کارآمدی سیستم‌های آموزشی است؛ یک فاکتور مهم در ارزیابی سیستم‌های آموزشی این است که وقتی یک نفر در لیسانس، فوق لیسانس یا دکتری فارغ‌التحصیل می‌شود در یک سال اول فارغ‌التحصیلی چه مقدار درآمد کسب می‌کند، این نشان‌دهنده کارآمدی نظام آموزشی در اکثر کشورهای دنیا است که البته این مبلغ در آمریکا، آلمان و تمام کشورها متفاوت است، ولی باید بررسی کرد این مبلغ در ایران چه مقدار است؟ آیا دانشجویی که از دانشگاه‌های ایران فارغ‌التحصیل می‌شود سال اول می‌تواند درآمد کسب کند؟ به نظر من فرد پس از فارغ‌التحصیلی هیچ درآمدی ندارد بلکه انبوهی از وام‌ها و بدهکاری‌های دوران تحصیل را نیز باید پرداخت کند.» او می‌گوید: «مثلاً کسی که وام ویژه دکتری وزارت علوم را چهارسال متوالی بگیرد بیش از ۲۰ میلیون تومان بدهکار می‌شود؛ ابتدایی که می‌خواهد فارغ‌التحصیل شود باید ۱۰ درصدش را یک‌جا بدهد و در یک فرجه ۹ ماهه باید قسط‌ها را شروع به بازپرداخت کند؛ مسئولان توب را در زمین دانشجویان می‌اندازند.»

فاصله زیاد صنعت و دانشگاه

مریم راه‌چمنی، دانشجوی بیوفیزیک دانشگاه مالک‌اشتر است. او درباره شرکت‌های دانش‌بنیان می‌گوید: «متأسفانه بین صنعت و دانشگاه‌های ما خیلی فاصله است و ارتباط و تفاهنامه‌ای نیست و اگر هم باشد فقط مقطعی بوده و عموماً نتیجه‌بخش نیست.»

بی‌برنامگی، ریشه تمام مشکلات است

سروش کیانی‌قلع‌سرد، دانشجوی اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان ادامه می‌دهد: «شاید ریشه تمام مشکلات دانشجویان دکتری وزارت علوم را بتوان در یک کلمه «بی‌برنامگی» خلاصه کرد، از پذیرش گرفته تا شرایط تحصیل و اشتغال و تنها از این مساله خوشحالید که تعداد دانشجویان دکتری شما نسبت به فلان سال چند برابر شده؛ مشخص است در چنین شرایطی نه‌تنها مشکلی از کشور حل نمی‌شود بلکه مشکلات بسیار دیگری نیز افزوده خواهد شد. بخشی از این مشکلات در زمان تحصیل این دانشجویان اتفاق می‌افتد. دانشجویی که باید تمام وقت خود را صرف مسائل آموزشی و پژوهشی کند به‌دلیل مشکلات معیشتی و نداشتن حداقل‌های لازم تأمین هزینه‌های خود، مجبور به فعالیت‌های دیگری می‌شود، امری که به معنای کلمه سرمایه‌سوزی است و بخش دیگر این مشکلات نیز هنگام فراغت از تحصیل به سراغش می‌آید، یعنی شخصی که حداقل ۲۲ سال بابت آموزش او دولت هزینه کرده پس از فارغ‌التحصیلی عمل‌اساختار مناسب و کافی برای جذب و استفاده از او وجود ندارد و این شرایط تنها شخص را بر سر دوراهی خروج از کشور یا بیکاری قرار می‌دهد.»

دریافت کمک هزینه بلاعوض ماهانه حق دانشجوی دکتری روزانه است

محمد محمودپور، دانشجوی رشته تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس مسئولان موردنظر را این‌گونه خطاب می‌کند: «ما دغدغه کشور و پیشرفت خودمان را داریم و نمی‌خواهیم به کشور دیگری برویم و علممان را در راه پیشرفت مملکت دیگری بگذاریم؛ ما دانشجویان دکتری هرکدام در یک زمینه‌ای تخصص داریم و هزینه آن را هم داریم که در خارج از کشور اقامت بگیریم ولی چون وطن‌مان را دوست داریم، در اینجا مانده‌ایم و سختی‌ها را تحمل می‌کنیم به‌خاطر نسل آینده‌ای که می‌آید.» نازنین باقری، دانشجوی دکتری شیمی دانشگاه مازندران می‌گوید: «کمپین مطالبات دکتری وزارت علوم معتقد است که دریافت کمک‌هزینه بلاعوض ماهانه حق دانشجوی دکتری روزانه است. من به‌عنوان دانشجویی که در یکی از پرهزینه‌ترین رشته‌های عملی و آزمایشگاهی تحصیل می‌کنم از شما می‌پرسم دانشجویی که ۶ روز در هفته و حداقل به مدت هشت‌ساعت بدون کسب درآمد، سابقه کاری و بیمه، که بعد از فارغ‌التحصیلی عموماً با حجم بالایی از بدهی حاصل از دریافت وام‌های تحصیلی مواجه است، به‌آه انگیزه‌ای باید به فعالیت بپردازد؟ طبق آمار سازمان سنجش ظرفیت پذیرش دانشجویان دکتری موسسات آموزش عالی دولتی تنها در سال ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳ نفر بدون احتساب دانشگاه آزاد اسلامی گزارش شده که قطعاً این رقم دولت بالایی نیست.» وی خاطرنشان کرد: «قطعاً تأمین هزینه‌های ما به‌عنوان دانشجوی دکتری که آینده‌ساز و سرمایه‌های علمی و ستون‌های پیشرفت کشور هستیم و اکثراً در دهه سوم زندگی خود قرار داریم توسط خانواده جایز نیست.»

به‌عنوان دانشجوی دکتری که آینده‌ساز و سرمایه‌های علمی و ستون‌های پیشرفت کشور هستیم و اکثراً در دهه سوم زندگی خود قرار داریم توسط خانواده جایز نیست.»

